

بررسی سطح توسعه اجتماعی در شهر تهران^۱

مصطفی ازکیا^۲، حبیب‌الله زنجانی^۳، سیدمحمد سیدمیرزایی^۴، هادی برغمادی^۵

چکیده

در اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ سازمان ملل، گزارش توسعه‌ای را با رویکرد به توسعه انسانی منتشر کرد و از اواسط این دهه، به ویژه در پی صدور بیانیه‌ی آمستردام، مولفه‌های مربوط به توسعه اجتماعی نظیر سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی به ادبیات توسعه راه یافت. این پژوهش با هدف بررسی توسعه اجتماعی در شهر تهران و با سنجش دو متغیر اصلی توسعه اجتماعی (سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی) در این شهر انجام شده است. نوع مطالعه از نظر مسیر توصیفی - تبیینی، از نظر هدف کاربردی، از نظر میزان ژرفایی پهنانگر و از نظر زمانی مقطعی بوده که با استفاده از روش پیمایش به گردآوری داده‌ها اقدام شده است. جامعه آماری پژوهش را کلیه ساکنان شهر تهران و حجم نمونه را ۴۰۰ نفر از ساکنان این شهر تشکیل داده‌اند که نمونه‌ها با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم، انتخاب و با استفاده از ابزار پرسشنامه پژوهشگر ساخته، که اعتبار آن با استفاده از اعتبار صوری و ارزیابی‌ها و پایایی آن با استفاده از پایایی همسانی درونی سنجیده شده است، گردآوری شده‌اند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که متغیر کیفیت زندگی و سرمایه اجتماعی هر یک در سطح معناداری ۰.۰۱ رابطه مستقیم و مثبت با توسعه اجتماعی داشته و افزایش هر یک از این دو متغیر باعث افزایش سطح توسعه اجتماعی شهر تهران و کاهش هر یک موجب کاهش آن خواهد شد. هرچند که نتایج این پژوهش از تاثیر بیشتر کیفیت زندگی نسبت بر سرمایه اجتماعی در افزایش یا کاهش میزان توسعه اجتماعی این شهر تاکید دارد (با توجه به نتایج رگرسیون چند متغیره)، اما توأمان بودن تاثیر این دو متغیر بر توسعه اجتماعی شهر تهران را نمی‌توان نادیده گرفت و افزایش سطح توسعه اجتماعی شهر تهران نیازمند ارتقاء همزمان سطح این دو متغیر است.

واژگان کلیدی: توسعه اجتماعی، سرمایه اجتماعی، کیفیت زندگی، شهر تهران.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۰۶/۱۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۳/۲۰

۱. این پژوهش با حمایت مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهرداری تهران انجام شده است.

۲. استاد دانشگاه تهران، گروه جامعه‌شناسی. MAzki@Azkia.ir

۳. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه جمعیت‌شناسی. Ha-zanjani@yahoo.com

۴. استاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه جمعیت‌شناسی. Seyedmirzaie@yahoo.com

۵. دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران (نویسنده مسئول). H_Barghamadi@yahoo.com

مقدمه

اصطلاح توسعه^۱ که به صورت فراگیر پس از جنگ جهانی دوم مطرح شده است را در لغت می‌توان به معنای خروج از "لفاف" بیان نمود. در قالب نظریه نوسازی لفاف همان جامعه‌ی سنتی و فرهنگ و ارزش‌های مربوط به آن است که جوامع برای متجدد شدن باید از این مرحله سنتی خارج شوند. از جمله نکات مهم و قابل اشاره در مورد توسعه، ارزشی تلقی شدن توسعه، چندبعدی بودن و پیچیدگی آن، و ارتباط و نزدیکی با مفهوم بهبود^۲ است (از کیا و غفاری، ۱۳۸۷).

همچون بسیاری از پدیده‌های مطرح شده در علوم انسانی، از مفهوم توسعه نیز تعریف‌های فراوانی وجود دارد. مایکل تودارو آن را (توسعه را) جریانی چندبعدی می‌داند که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه‌ی مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق دانسته است (از کیا، ۱۳۸۰). از نظر تودارو توسعه در همه‌ی جوامع باید به دنبال (۱) دسترسی بیشتر به امکانات تداوم بخش زندگی چون خوراک، مسکن، بهداشت و...، (۲) بالا رفتن سطح زندگی با افزایش درآمد، ایجاد زمینه‌ی اشتغال، آموزش بهتر و...، و (۳) گسترش دامنه انتخاب‌های اقتصادی و اجتماعی افراد و ملت‌ها، با رها کردن آن‌ها از قید وابستگی و... باشد. بدین ترتیب در کنار رشد اقتصادی، مسایلی چون خودکفایی، عدالت اجتماعی، برابری و بهبود کیفیت زندگی نیز دارای اهمیت است (کلاتری و گنجی، ۱۳۸۴).

دودلی^۳ نیز توسعه را تغییر در وضعیت فقر، بیکاری و نابرابری دانسته و کاهش چشم‌گیر در این سه زمینه را از نشانه‌های توسعه در یک کشور و یا یک منطقه عنوان نموده است (کلاتری، ۱۳۸۸). اندیشمندان دیگری در حوزه توسعه چون دادلی سیرز^۴، برنشتاین^۵، پتر دونالدسن^۶ و میسرا^۷ تعاریفی از توسعه ارائه داده‌اند که در این تعاریف نیز چندبعدی بودن، ارزشی بودن (تلاش برای دستیابی به آن)، ایجاد تغییرات اساسی در ساخت‌های اجتماعی و تلاش برای دستیابی به زندگی بهتر مفاهیم مشترک آن‌ها برای تعریف توسعه، است (از کیا، ۱۳۸۰).

به‌طور کلی می‌توان توسعه را هماهنگی و توأمان بودن کمیت و کیفیت در شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... عنوان نمود. به این معنا که در بخشی از جامعه اگر امکانات فیزیکی، کالبدی و کمی (سخت افزار) هم‌زمان و پیوسته با بخش غیرفیزیکی و کیفی یا همان ساخت‌های موجود در جامعه (نرم افزار) حرکت نماید، می‌توان از توسعه یافتگی سخن به میان آورد. نزدیکی تعریف بالا با نوسازی (مدرنیسم) نیز به دلیل مطرح شدن هم‌زمان این مفاهیم و همچنین ریشه‌های نظری ایست که مفهوم توسعه در نظریه نوسازی داشته است. حال اگر این توأم بودن بخش عینی و ذهنی را در هر یک از حوزه‌های زندگی انسانی مورد توجه قرار دهیم می‌توان از توسعه‌ی اقتصادی، توسعه انسانی، توسعه‌ی اجتماعی، توسعه‌ی فرهنگی و... سخن به میان آورد.

در مورد لزوم هم‌زمانی رشد در بخش‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری برای استفاده از اصطلاح توسعه می‌توان به‌طور مثال به مفهوم توسعه فرهنگی اشاره نمود که به لزوم توأم بودن وجود مراکز فرهنگی به عنوان امکانات فرهنگی در کنار کیفیت، چگونگی فعالیت، میزان استفاده از این مراکز و... اشاره دارد. این هم‌زمانی امکانات عینی و ذهنی در تمامی حوزه‌های دیگر زندگی، سیاست، اقتصاد و... را در تعریف کلی می‌توان توسعه سیاسی، اقتصادی و... عنوان نمود. بدون شک وجود سازمان‌ها، نهادها و گروه‌های مردمی (در شکل سازمانی آن) بدون حضور مشارکت اجتماعی واقعی همراه با آزادی بیان، عدالت و برابری، قدرت ایجاد تغییرات

۱. Development

۲. Improvement

۳. Dudley

۴. Dudley Sears

۵. Bernstein

۶. Peter Donaldson

۷. Misera

را نمی‌توان توسعه‌ی سیاسی دانست و به همین صورت در سایر حوزه‌ها نیز به صرف وجود امکانات و ساختار و سازمان و نبود روح حاکم بر آن‌ها سخن از توسعه گفتن کاری بیهوده است.

تحقق توسعه (در معنای کلی آن و در حوزه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی) در جوامع موسوم به جهان سوم به مراتب دشوارتر از کشورهای پیشرفته است. به طور مثال شهرنشینی در جهان سوم همراه است با ناهمگونی، بی‌قراری و رشد شدید و ناموزون به دلیل نرخ بالای مهاجرت روستایی (کنده شدن از روستاها) و مناطق شهری کوچک و حاشیه‌ای به شهرهای مرکزی و رشد حاشیه‌نشینی که آسیب‌ها و بی‌نظمی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بی‌شماری را به همراه خود خواهد داشت (از کیا و غفاری، ۱۳۸۷: ۱۳). امروزه شهرنشینی به عنوان فرایندی جهانی مطرح است که کشورهای جهان سوم به صورت فزاینده‌ای به سوی آن کشیده شده‌اند. نسبت شهرنشینی ایران نیز به همین دلیل در سال‌های گذشته رشدی روزافزون داشته است و از ۳۱٫۴ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۳۸٫۹ درصد در سال ۱۳۴۵، ۴۷ درصد در سال ۱۳۵۵، ۵۴٫۳ درصد در سال ۱۳۶۵، ۶۱٫۳ درصد در سال ۱۳۷۵ و در نهایت ۶۸٫۵ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است (فتحی، ۱۳۹۰).

باتوجه به بالا بودن درصد شهرنشینی در ایران و روند رو به رشد آن و وجود فرهنگ‌های مختلف در کنار هم در شهرهای ایران و به خصوص شهر تهران به دلیل مهاجرت از سایر شهرها به آن لازم است تا سطح توسعه اجتماعی این شهر به عنوان یکی از شاخص‌های با اهمیت در دوران کنونی که توجه به مفاهیمی چون پساتوسعه در کانون توجه اندیشمندان توسعه قرار گرفته است مورد سنجش قرار گیرد. علاوه بر این، توجه بیش از حد به توسعه شهری (در مفهوم گسترش کالبدی و فیزیکی) و نبود توجه لازم به متغیرهای اجتماعی از سوی شهرسازان و به کارگیری شاخص‌های کمی برای سنجش توسعه در شهرهای ایران و به خصوص شهر تهران با ویژگی‌های بسیار متنوع اجتماعی و فرهنگی و با جمعیتی نزدیک به ۸ میلیون نفر در سال ۱۳۸۵ (فتحی، ۱۳۹۰) که در ۲۲ منطقه‌ی شهری به مساحت تقریبی ۷۳۰ کیلومتر مربع (سایت شهرداری تهران، آبان ۱۳۹۲) سکونت دارند، دلیل دیگری است برای توجه به این مفهوم در شهر تهران.

با تکیه بر مطالب ارائه شده، توسعه اجتماعی در شهر را می‌توان توسعه‌ای دانست مبتنی بر نیازهای حیاتی و اجتماعی مشترک انسان‌ها همچون آزادی، امنیت، برابری، عدالت، انسجام، فقرزدایی، اشتغال، گذران سالم اوقات فراغت (کلانتری و گنجی، ۱۳۸۴). تلاش‌هایی برای سنجش هریک از این متغیرها توسط پژوهشگران حوزه علوم انسانی صورت گرفته است و هریک از این پژوهشگران به بررسی یکی از این متغیرها در شهر تهران پرداخته‌اند که از آن جمله می‌توان بررسی سرمایه اجتماعی در شهر تهران (فیروزآبادی، ۱۳۸۴)، اعتماد اجتماعی در شهر تهران (مقبولی اقبالی، ۱۳۸۶)، امنیت در شهر تهران (رضوان، ۱۳۸۵) و توسعه شهر تهران (احمدی، ۱۳۷۸) اشاره نمود. این پژوهش‌ها هرچند به یک یا چند متغیر توسعه اجتماعی پرداخته‌اند، اما بررسی همزمان این متغیرها و تاثیر آن‌ها بر یکدیگر دارای اهمیت فراوان است. در این پژوهش سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی به عنوان دو متغیر اصلی که بسیاری از شاخص‌های مورد بررسی در پژوهش‌های صورت گرفته در مورد توسعه اجتماعی را در دل خود جای داده است انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته است. به این ترتیب می‌توان پرسش اصلی این مقاله را چنین عنوان کرد توسعه اجتماعی در شهر تهران در چه سطحی است و عوامل موثر بر آن کدامند؟

توسعه اجتماعی

مفهوم توسعه اجتماعی سابقه‌ی چندانی ندارد و این مفهوم برای اولین بار در سال ۱۹۹۵ در «کنفرانس توسعه اجتماعی کپنهاک دانمارک» در مجامع جهانی مطرح شد. در ابتدا توسعه اجتماعی به معنی مبارزه با فقر مطرح شد. به هر صورت، مفهوم روشنی از توسعه اجتماعی در دست نیست و مفاهیم گوناگونی وجود دارد و از دیدگاه‌های متفاوت معناهاى مختلفی را داراست (مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۰: ۵). با این وجود رویکردهای مرسوم در توسعه اجتماعی تقریباً یک هدف را مورد توجه قرار داده‌اند و آن تحقق رفاه و امنیت اجتماعی است (تولایی، ۱۳۸۸: ۴۷). از سوی دیگر در بحث توسعه اجتماعی نیز مانند بسیاری از

دیگر مفاهیم اقتصادی و اجتماعی، دودیدگاه عمده‌ی رفاه‌گرا و مارکسیستی وجود دارد. نظریه‌پردازان رفاه‌گرا مفهوم توسعه اجتماعی را در حرکت به سوی کیفیت بهتر زندگی می‌دانند، در حالی که نظریه‌پردازان مارکسیستی در بحث توسعه‌ی اجتماعی بر ارزش‌های برابری اجتماعی تاکید می‌کنند (مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۰: ۶).

برخی متفکران، افزایش ظرفیت و توانایی مردم برای فعالیت مداوم در راستای تامین رفاه خود و جامعه، و توسعه و تحول نهادهای اجتماعی در جهت رفع نیازهای مردم در تمام سطوح (به ویژه سطوح پایین) را دو بعد اصلی توسعه اجتماعی می‌دانند؛ به طوری که در این فرایند روابط میان مردم و نهادهای اجتماعی و استفاده از منابع موجود در جامعه، تعادل میان نیازهای کمی و کیفی جامعه پدید می‌آید (مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۰: ۶).

از کیا و غفاری نیز (۱۳۸۷) توسعه اجتماعی را از مفاهیمی می‌دانند که با چگونگی و شیوه‌ی زندگی افراد یک جامعه پیوندی تنگاتنگ دارد و در ابعاد عینی بیشتر ناظر بر بالابردن سطح زندگی عمومی از طریق ایجاد شرایط مطلوب و بهینه در زمینه‌های فقرزدایی، تغذیه، بهداشت، مسکن، اشتغال، آموزش و چگونگی گذران اوقات فراغت است. توسعه اجتماعی در پی ایجاد بهبود در وضعیت اجتماعی افراد یک جامعه است که برای تحقق چنین بهبودی در پی تغییر در الگوی‌های دست و پاگیر و زاید رفتاری، شناختن و روی آوردن به یک نگرش، آرمان و اعتقاد مطلوب تر است که بتواند پاسخگوی مشکلات اجتماعی باشد (از کیا و غفاری، ۱۳۸۷: ۴۷).

در نهایت در تعریفی دیگر که به چهارچوب ذهنی نویسنده در این پژوهش نزدیک است، توسعه اجتماعی را می‌توان بیان‌گر کیفیت سیستم اجتماعی در "نهادسازی و تقسیم مجدد نقش‌های اجتماعی" برای حصول به "عدالت اجتماعی" و "یکپارچگی و وفاق اجتماعی" و بالا بردن "سطح کیفیت زندگی" و ارتقای "کیفیت افراد جامعه" و افزایش "ضریب امنیت اجتماعی" دانست (شمعدانی حق، ۱۳۸۰: ۲۵۴).

شاخص‌های توسعه اجتماعی

اهداف و سیاست‌های مفاهیمی چون توسعه اقتصادی و توسعه‌ی سیاسی بر اساس شرایط و مراحل توسعه تا حدود زیادی تعریف شده است. گرچه مشاهده می‌شود که این ملاک‌ها غیر قابل اتکا بوده و در مواردی پیامدهای نامناسبی به بار آورده است. اما تجربیات گرانمایی در زمینه‌ی تکنیک‌های سنجش این مفاهیم و نیز تهیه و اجرای طرح‌هایی در همین راستا در دسترس است. در مقابل فرموله کردن معیارها، راهبردها و خط‌مشی‌های توسعه‌ی اجتماعی پیچیدگی‌های خاصی را داراست و تجربیات تئوریک و علمی و راهکارهای اجرایی ارائه شده در این خصوص، از پختگی لازم و کافی و از دقت بالایی برخوردار نیست، از همین رو کوشش در جهت تبیین مفهوم و اهداف توسعه اجتماعی و مدرن نمودن ضوابط سنجش و فرموله کردن تکنیک‌ها و راهبردهای اجرایی وظایف متفکران علوم اجتماعی و مورد نیاز فوری جوامع در حال توسعه است (شمعدانی حق، ۱۳۸۰: ۲۵۱).

شاخص‌های توسعه اجتماعی در دیدگاه‌های صاحب نظران جامعه‌شناسی کلاسیک و معاصر به طور ضمنی و صریح مطرح شده است. دورکیم با دسته‌بندی جوامع به سنتی و صنعتی یا مدرن به ویژگی هر دو می‌پردازد که تخصص، انسجام، و نظم ارگانیک در جوامع مدرن به عنوان شاخص‌های توسعه اجتماعی قابل تامل است (تولایی، ۱۳۸۸: ۶۳).

به طور کلی می‌توان شاخص‌های توسعه اجتماعی را به دو دسته کمی و کیفی تقسیم کرد. عمده‌ترین شاخص‌های کیفی توسعه - ای اجتماعی، عبارتند از: آزادی انتخاب یک جامعه (به این معنا که جامعه برای برآوردن خواسته‌های خود راه حل‌های مختلفی را در اختیار دارد و از آزادی انتخاب برخوردار است)؛ آرمان‌های نوسازی (شامل منطقی بودن برنامه‌ریزی اقتصادی - اجتماعی، برابری اقتصادی - اجتماعی و نمادها و برداشت‌های اصلاح شده است که برای رشد پایداری اقتصادی - اجتماعی لازم است)؛ اراده‌ی سیاسی (منظور از آن تصمیم قاطعانه، آگاهانه، هدفدار، مستقل، نتیجه‌گیری‌ها و انتخاب‌های مشخص سیاسی در زمینه‌هایی نظیر از بین بردن نابرابری، فقر و بیکاری از طریق اصلاحات مختلف در ساخت‌های اجتماعی، اقتصادی و نهادی است)؛ عزت نفس (هنگامی که

نظام‌ها و نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در هر جامعه، در جهت افزایش احترام، ارتقای شان، کمال و خود تصمیمی مردم آن جامعه فعالیت کنند، سبب می‌شود تا با رشد عزت نفس مردم، آنها به خود و جامعه احترام بگذارند و ضمن احترام به آزادی خود و دیگران، بتوانند عقاید مخالف خود را تحمل کنند) و ثبات و امنیت جامعه (مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۰ و لشکری، ۱۳۹۱).

عمده‌ترین شاخص‌های کمی توسعه اجتماعی نیز عبارتند از: تولید ناخالص سرانه؛ امید به زندگی در بدو تولد؛ نرخ رشد جمعیت؛ نرخ مرگ و میر کودکان؛ نرخ باسوادی؛ بهداشت و درمان؛ آموزش و پرورش؛ اشتغال کامل؛ توانمندسازی زنان؛ کیفیت زندگی (مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۰: ۱۸)؛ نوآوری و خلاقیت و منابع اجتماعی تولید کالا یا خدمات (لشکری، ۱۳۹۱).

در جایی دیگر تولایی (۱۳۸۸) نیز شاخص‌های کمی توسعه اجتماعی را سطح زندگی، سطح بهره‌وری، میزان رشد جمعیت، میزان بار تکفل، امید به زندگی در بدو تولد، میزان باسوادی، میزان مرگ و میر کودکان، توزیع درآمد، مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، میزان پوشش انواع بیمه، منافع اجتماعی تولید کالا یا خدمت و نوآوری یا خلاقیت عنوان کرده است.

با توجه به ارائه شاخص‌های کمی و کیفی توسعه اجتماعی اشاره شده در بالا، می‌توان به شاخص‌هایی اشاره نمود که از سوی سازمان امور پیشرفت اجتماعی^۱ به عنوان پیش شرط‌های (الزامات) پیشرفت اجتماعی (با این فرض که توسعه اجتماعی یکی از بخش‌های زیرین مفهوم پیشرفت اجتماعی است) مطرح شده است.

شاخص پیشرفت اجتماعی (SPI) اندازه‌گیری می‌کند که تا چه حد کشور نیازهای اجتماعی و محیطی شهروندان خود فراهم آورده است. پنجاه و دو شاخص در زمینه‌های نیازهای اولیه‌ی انسانی، بسترهای رفاه و فرصت‌ها، عملکرد نسبی ملت‌ها را نشان می‌دهد. این شاخص زاینده فکر لزوم پیشرفت اجتماعی غیر انتفاعی است و بر اساس نوشته‌های آمارتیا سن^۲، داگلاس نورث^۳، و جوزف استیگلیتز^۴ بنا شده است (Social Progress Imperative, 2013).

شاخص پیشرفت اجتماعی رفاه یک جامعه را با پیامدهای اجتماعی و محیطی آن به طور مستقیم و نه از طریق عوامل اقتصادی اندازه‌گیری می‌کند. عوامل اجتماعی و محیطی عبارتند از امنیت فردی، پایداری اکوسیستم، سلامتی و تندرستی، داشتن سرپناه، بهداشت اولیه، احساس عدالت و شمول یا تضمین اجتماعی، آزادی فردی و حق انتخاب (The Economist, 2013).

بدیهی است که برای سنجش سطح توسعه اجتماعی در هر جامعه می‌توان بر اساس معیارهای متناسب و ذکر شده در تعریف توسعه اجتماعی، با دسترسی به آمار و اطلاعات، شاخص‌های توسعه اجتماعی مناسب را تعریف و تدوین کرد. از جمله شاخص‌های مطرح شده برای مفهوم توسعه اجتماعی می‌توان به موارد زیر نیز اشاره کرد: وحدت و وفاق اجتماعی، عدالت اجتماعی، سطح زندگی، امنیت اجتماعی، نظام تقسیم نقش‌های اجتماعی و وضعیت نهادها و کیفیت افراد و ظرفیت‌های انسانی (شمعدانی حق، ۱۳۸۰: ۲۵۵).

با توجه به مطالب بیان شده، در این پژوهش از میان متغیرهای مختلفی که برای توسعه اجتماعی عنوان شده است دو متغیر اساسی یعنی سرمایه اجتماعی (با شاخص‌های اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی و همبستگی اجتماعی) و کیفیت زندگی (با شاخص‌های احساس امنیت، سلامت جسمانی و روانی، دسترسی به خدمات، رضایت از محیط، احساس برابری جنسیتی و مشارکت اجتماعی) مورد سنجش قرار گرفته است.

1 . Social Progress Imperative

2 . Amartya Sen

3 . Douglass North

4 . Joseph Stiglitz

مبانی نظری توسعه‌ی اجتماعی

اصول اولیه‌ی نظریه نوسازی (مدرنیزاسیون) از ایده‌ی پیشرفت، که اظهار می‌دارد مردم می‌توانند توسعه بیابند و خود باعث تغییر جامعه شوند، مشتق شده است. مارکو دو کندورسه^۱ یکی از اولین افراد تاثیرگذار این نظریه است. این نظریه همچنین بیان می‌دارد که پیشرفت‌های تکنولوژیکی و تغییرات اقتصادی می‌توانند منجر به تغییر در ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی شوند. جامعه‌شناس فرانسوی امیل دورکیم بر وابستگی متقابل نهادها در یک جامعه و روشی که آن‌ها با وحدت فرهنگی و اجتماعی در تعامل اند تاکید کرده است. "تقسیم کار اجتماعی" وی بر این نظریه بسیار تاثیرگذار بوده است (Nisbet, 1980: 48-49).

مرور ادبیات توسعه اجتماعی از آغاز شکل‌گیری آن نشان می‌دهد که حداقل چهار رویکرد کلی در زمینه‌ی این مفهوم وجود دارد؛ عده‌ای از پژوهشگران «توسعه اجتماعی» را وجهی از «توسعه» و به عنوان مکمل توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی قلمداد کرده‌اند. گروه دوم با طرح ایده‌هایی مشابه گروه اول، توسعه اجتماعی را متوازن کننده و پایدار کننده توسعه دانسته‌اند. در نزد ایشان توسعه-اجتماعی به دنبال ایجاد توازن و تعادل بین اهداف مختلف اقتصادی، اجتماعی و کالبدی است و به همین دلیل مبین توسعه چندگانه است. به نظر دسته‌ی سوم، توسعه اجتماعی و توسعه اقتصادی دو روی سکه توسعه هستند. و از نظر دسته چهارم، توسعه اجتماعی به مثابه‌ی یک کل یکپارچه رویکردی مستقل است که در آن هم توسعه اقتصادی لحاظ می‌شود و هم سایر انواع توسعه سیاسی، فرهنگی و... در دیدگاه اخیر پسوند «اجتماعی»، نه در عرض مفاهیمی مانند اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، بلکه در معنای جامع آن (جامعوی) کل ابعاد حیات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را در بر می‌گیرد. به این ترتیب توسعه اجتماعی بیانگر فرایندی است که طی آن نیازهای حیاتی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، زیست محیطی و... همه انسان‌ها تأمین می‌شود. به عبارت دیگر توسعه اجتماعی به مثابه یک کل یکپارچه نه تنها به عنوان مجموعه تغییر و تحولات ساختاری در ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه تلقی می‌شود بلکه اساساً به مثابه یکی از پیامدهای توانایی جامعه در سازمان‌دهی به توانمندی انسان و منابع مولد برای مواجهه با فرصت‌ها و چالش‌ها است.

از زمان ظهور اندیشه‌های توسعه به عنوان یک مسأله‌ی جهانی در دوره بعد از جنگ جهانی دوم همواره یکی از هدف‌های امر توسعه، دستیابی به استانداردهای بهتر زندگی و افزایش رفاه اجتماعی بوده است. در گام‌های اولیه بر اساس این پیش فرض که توسعه اجتماعی می‌بایست به عنوان امری متاخر نسبت به رشد اقتصادی در نظر گرفته شود، اولویت و اصالت به رشد اقتصادی داده می‌شد و فرض بر این بود که تمرکز بر رشد اقتصادی از طریق انباشت پس‌انداز، افزایش سرمایه‌گذاری در بخش صنعتی و تکیه بر تکنولوژی‌های پیشرفته و مدرن منشاء افزایش سطح درآمدها و در نتیجه افزایش سطح زندگی و رفاه خواهد بود (مومنی، ۱۳۸۰: ۱۴).

در بحث توسعه اجتماعی مانند دیگر مفاهیم اقتصادی-اجتماعی، دو دیدگاه عمده‌ی رفاه‌گرا و مارکسیستی نیز وجود دارد. نظریه-پردازان رفاه‌گرا مفهوم توسعه اجتماعی را در حرکت به سوی کیفیت بهتر زندگی می‌دانند. از این دسته، وارنر^۲ معتقد است «توسعه-ی اجتماعی عبارت است از امکانات زندگی مردم در جامعه». اما امکانات زندگی قلمرو گسترده‌ای دارد. ماکس وبر معتقد است که شانس زندگی عبارتست از «امکان دستیابی به شرایط زندگی مناسب‌تر» و «تجربیات زندگی شخصی بهتر». از نظر سازمان‌های بین‌المللی چون سازمان ملل نیز با استناد به گزارش‌های توسعه انسانی-اجتماعی این سازمان، هدف نهایی توسعه ارائه فرصت‌های مناسب به مردم برای زندگی بهتر از طریق دسترسی به تسهیلات آموزشی، بهداشتی، رفاهی، تغذیه، مسکن و غیره است (شمعدانی حق، ۱۳۸۰: ۲۵۱-۲۵۲).

۱. Marquis De Condorcet

۲. Warner

نظریه پردازان غیرمارکسیست در بحث پیرامون توسعه اجتماعی بیشتر بر "رفاه اجتماعی" تاکید می‌ورزند و در واقع هسته اصلی توسعه اجتماعی را رفاه می‌دانند. به اعتقاد این گروه صاحب نظران از آنجا که منبع اصلی قدرت و ثروت جامعه نیروی انسانی است، بنابراین تمرکز برنامه‌های توسعه باید بر ارتقاء مهارت‌ها و استعداد نیروی انسانی باشد، از این رو برای دستیابی به توسعه ملی راهی جز توسعه انسانی در چارچوب برنامه‌های رفاه اجتماعی نیست. در تعریف رفاه اجتماعی گفته شده است: رفاه اجتماعی مجموعه شرایط و کیفیت‌هایی است که نیازهای فردی (جسمی و روانی) و اجتماعی آحاد جامعه را در حد قابل قبول تامین کرده و همه مردم از زندگی در آن شرایط احساس امنیت زیستی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی داشته باشند (رفیعی و مدنی، ۱۳۸۰: ۷۲-۷۳).

در مقابل این نظر، دیدگاه‌های مارکسیستی بر ارزش‌های مبتنی بر مساوات اجتماعی در بحث توسعه اجتماعی تاکید می‌کنند. دونگ^۱ کیم^۱ توسعه اجتماعی را درجه‌ای از ساختار اجتماعی می‌داند که به اکثریت محروم جامعه نه تنها اجازه‌ی تقاضا برای برخورداری از سهم خود از منابع ملی را می‌دهد، بلکه در جهت رسیدن به آن هدف آن‌ها را یاری می‌کند. از نظر او اگر تغییر ساختاری جامعه در مسیری باشد که فرصت‌های لازم را برای دستیابی توده محروم به سهم خود از منابع ملی در اختیار آن‌ها قرار دهد، این مسیر، در اصل همان فرایند توسعه است. در واقع فرآیند توسعه اجتماعی از دیدگاه آن‌ها فرآیندی است در جامعه عاری از استعمار و استثمار اجتماعی (شمعدانی حق، ۱۳۸۰: ۲۵۲).

در بررسی مفهوم توسعه اجتماعی، متفکران دیگری همچون پایوا^۲ نیز نظریه‌پردازی کرده‌اند. وی افزایش ظرفیت و توانایی مردم برای فعالیت مداوم در جهت تامین رفاه خود و جامعه، و توسعه و تحول نهادهای اجتماعی در جهت رفع نیازهای مردم در تمام سطوح، به خصوص سطوح پایین را دو بعد اصلی توسعه اجتماعی می‌داند؛ بدان گونه که در این فرایند روابط بین مردم و نهادهایی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ابزارهای تامین نیازهای اجتماعی را فراهم کرده و از طریق نهادهای اجتماعی و استفاده از نهادهای موجود در جامعه تعادل بین نیازهای کمی و کیفی جامعه پدید می‌آید. بنابراین از نظر او ارتباطی نزدیک بین توسعه اجتماعی و عدالت اجتماعی وجود دارد و هدف نهایی توسعه اجتماعی دستیابی به جامعه انسانی تر از طریق نهادها و سازمان‌هایی است که به طور مناسب پاسخگوی نیازهای مردم باشد (شمعدانی حق، ۱۳۸۰: ۲۵۲).

از آنچه در مطالب ارائه شده بر می‌آید می‌توان به اهمیت وجود روابط اجتماعی توأم با بهره‌گیری از اعتماد اجتماعی به منظور ایجاد حس همبستگی در جهت مشارکت اجتماعی به منظور دستیابی به زندگی بهتر، پی برد. با تکیه بر این سه مفهوم ذکر شده (اعتماد اجتماعی، همبستگی اجتماعی و مشارکت اجتماعی) می‌توان از مفهوم سرمایه اجتماعی و لزوم وجود آن برای تحقق توسعه اجتماعی در جامعه نام برد. بدین معنا که در نبود سرمایه‌ی اجتماعی رسیدن به رفاه اجتماعی بسیار دشوار به نظر می‌رسد.

از دیگر مفاهیم مورد بررسی در توسعه اجتماعی که در نظریه‌های مربوط به اندیشمندان غیرمارکسیست نیز به آن فراوان اشاره شده و از نمادهای توسعه اجتماعی دانسته می‌شود، مفهوم کیفیت زندگی است.

مفهوم کیفیت زندگی ترکیبی از شرایط عینی و ذهنی زندگی را در بر دارد. جنبه‌ی ذهنی آن به احساس رضایت به طور عام اشاره دارد و جنبه عینی آن به پاسخگویی به تقاضاهای فرهنگی و اجتماعی برای ثروت مادی، پایگاه اجتماعی، بهزیستی جسمانی و... بر می‌گردد.

در مطالعات جهانی، مفهوم کیفیت زندگی را شامل متغیرهای متعددی در حوزه‌های مختلف اقتصادی، امنیتی، خانوادگی و جمعیتی در نظر می‌گیرند. برای نمونه در مطالعات مرکز اطلاعات اقتصادی^۳ در آمریکا این شاخص‌ها برای کیفیت زندگی در نظر گرفته شده است: بهزیستی مادی^۴؛ بهداشت و سلامت^۱؛ ثبات و امنیت سیاسی؛ زندگی خانوادگی بر اساس نرخ طلاق؛ زندگی جمعی و

1 . Dong Kim

2 . Paiva

3 . the economist intelligence unit

4 . material wellbeing

اجتماعی بر اساس نرخ حضور در کلیساها و محافل جمعی، عضویت در انجمن‌های تجاری و اتحادیه‌ها؛ اقلیم و جغرافیا؛ امنیت شغلی؛ آزادی سیاسی و برابری جنسی (عبری، ۱۳۹۰: ۳۷۳).

به طور کلی به مفهوم کیفیت زندگی نیز می‌توان با دو رویکرد ساختارگرا و عاملیت‌گرا پرداخت. در رویکرد عاملیت‌گرا، جامعه به عنوان جمع جبری افراد مورد توجه قرار می‌گیرد. اینگونه تبیین هر چند می‌پذیرد که عوامل فرافردی برای تبیین مفید هستند اما این عوامل را همچنان به زمینه‌های فردی فرو می‌برد و بر نقش کنشگری فرد در شکل دهی به فرآیندها تأکید دارد. به عبارت دیگر در این رویکرد، عاملیت فرد در مرکزیت بحث پیرامون کیفیت زندگی قرار دارد یعنی بیشتر ناظر بر ذهنیات، قابلیت‌ها و توانمندی‌های افراد است تا شرایط ساختاری اجتماعی یا محیطی. این رویکرد بر مواردی چون تغذیه مناسب، مسکن، اشتغال، مراقبت‌های بهداشتی، آموزش و امنیت اقتصادی تأکید دارند. در مقابل رویکرد ساختارگرا نسبت به رویکردهای عاملیتی از دو ویژگی متمایز برخوردار است: اول آنکه مفهومی کامل و فراگیر از کیفیت زندگی ارائه می‌دهد که تمامی حوزه‌هایی را که در بهبود کیفیت زندگی موثرند، در برمی‌گیرد و دوم آنکه بر جامعه به عنوان یک کلیت تمرکز دارد. در این رویکرد برای کیفیت زندگی عناصر سازنده و عوامل ایجادکننده‌ای تعیین می‌شود. این عناصر به صورت عام عبارتند از خودمختاری، شناخت و وابستگی متقابل و برابری که عواملی مانند امنیت، شهروندی و دموکراسی را برای محقق شدن نیاز دارند. به عبارت دیگر کیفیت زندگی در معنای واقعی آن نمی‌تواند مستقل از مناسبات، روابط و پیوندهای مشترک اجتماعی و وابستگی متقابل در زمینه‌ی عدالت توزیعی که امنیت شخصی و اقتصادی، حمایت شهروندی و حقوق انسانی را تضمین می‌کند، مفهوم‌سازی شود. در میان رویکردهای ساختاری به کیفیت زندگی، شرایط زندگی که شامل شرایط عینی و ذهنی متکی بر منابع و فرصت‌ها می‌شود، جایگاه ویژه‌ای دارد. همچنین نگاهی برابری خواهانه به مفهوم همبستگی اجتماعی به عنوان هسته مرکزی این رویکرد مدنظر قرار دارد و کیفیت زندگی در رابطه‌ی دیالکتیک میان سطوح خرد و کلان اجتماعی تعریف می‌شود که آن عبارت است از برخورداری از توان مشارکت در زندگی اجتماعی و اقتصادی‌شان، از طریق چهار عامل همبستگی اجتماعی، امنیت اقتصادی و اجتماعی، توانمندی اجتماعی و ادغام اجتماعی. در این رویکرد بازیگران اجتماعی (گروه‌ها نهادها و سازمان‌ها)، بر اساس مشارکت، تفاهم، عدالت اجتماعی و تأیید اجتماعی با یکدیگر کنش دارند (غفاری و امیدی، ۱۳۸۷).

همانطور که مطالب اشاره شده می‌توان به این نتیجه رسید، کیفیت زندگی دارای وجوه چندگانه است. از یک سو، مفهومی اقتصادی - اجتماعی است که در حوزه‌های رفاه و برابری اجتماعی کاربردهای بسیار دارد. از سوی دیگر، مفهوم بین رشته‌ای است که بهترین جایگاه آن، همراه دانستن آن با مفهوم توسعه و قراردادن آن در زیرمجموعه‌ی ابعاد توسعه‌ی اجتماعی و انسانی است. این مفهوم در زبان انگلیسی با تعابیری نظیر استانداردهای زندگی، کیفیت زندگی و نظایر آن مشخص می‌شود. البته بین استانداردهای زندگی و کیفیت زندگی، تفاوت‌هایی وجود دارد. استاندارد زندگی عبارت است از سنجش رفاه اقتصادی افراد بر حسب درآمد، قدرت خرید این درآمد، پرداخت‌های انتقالی^۱ و دیگر خدماتی که به عنوان مکمل درآمدی به افراد ارائه می‌شود. کیفیت زندگی، معنای کلی‌تری دارد و ناظر بر شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است که افراد در آن زندگی می‌کنند. مهم‌ترین شاخص‌های کیفیت زندگی عبارت‌اند از: دسترسی افراد به ضرورت‌های زندگی نظیر غذا، آب آشامیدنی سالم، لباس و مسکن. علاوه بر این‌ها، ضرورت‌های زندگی شامل مواردی مانند دسترسی افراد به خدمات ضروری که به توانمندساختن آن‌ها کمک می‌کند نیز می‌شود، نظیر آموزش، نظام مراقبت بهداشتی، ارتباطات، سیستم‌های حمل و نقل و غیره. براین اساس باید گفت که "سطح زندگی"، برآیندی از استانداردهای زندگی و کیفیت زندگی است که ابعاد کمی و کیفی زندگی افراد را در برمی‌گیرد. در واقع، مفهوم سطح زندگی جامعیت بیشتری دارد و از این رو شاخص‌های تعریف‌کننده آن، ارتباط زندگی با

۱. political stability and security

۲. transfer payments

شاخص‌های دیگر توسعه اجتماعی دارد (عنبری، ۱۳۹۰: ۳۹۷). البته باید اشاره شود که در این پژوهش تحت عنوان متغیر کیفیت زندگی تلاش شده است برخی از شاخص‌های سطح زندگی (در معنای استاندارد زندگی و کیفیت زندگی) مورد سنجش قرار گیرد. اما از آنجایی که بر اساس برخی ادبیات موجود واژه کیفیت زندگی شمولیت لازم را دارد، در این پژوهش نیز از این اصطلاح استفاده شده است. دلیل دیگر این اقدام را نیز می‌توان بررسی شاخص‌های مورد نظر با استفاده از پیمایش عنوان کرد که در آن استانداردهای موجود چندان مورد توجه نبوده و بیشتر بعد ذهنی سطح زندگی مورد بررسی قرار گرفته که از این جهت استفاده از مفهوم کیفیت زندگی مناسب‌تر به نظر می‌رسد.

همانطور که پیش از این اشاره شد، در پژوهش حاضر و پس مطالعات اسنادی صورت گرفته دو متغیر سرمایه‌ی اجتماعی و کیفیت زندگی به عنوان متغیرهای اساسی تشکیل‌دهنده توسعه اجتماعی انتخاب و برای هر یک از آن‌ها شاخص‌هایی تعریف شده است.

از جمله شاخص‌های مطرح شده برای سنجش سرمایه اجتماعی می‌توان به اعتماد اجتماعی (در چهار بعد بنیادی، بین شخصی، تعمیم‌یافته و اعتماد به نظام‌های تخصصی)، همبستگی اجتماعی (با سه مولفه هماهنگی ساختاری، وحدت نمادی و تقابل) و مشارکت اجتماعی (در دو بعد ذهنی و عینی که در بعد عینی نیز هر دو بخش رسمی و غیر رسمی مورد بررسی قرار گرفته است) اشاره کرد. برای متغیر کیفیت زندگی نیز شاخص‌های احساس امنیت اجتماعی (در ابعاد جانی، مالی، شغلی، اخلاقی و انتظامی)، سلامت روانی، سلامت جسمانی، احساس برابری جنسیتی، دسترسی به خدمات، رضایت از محیط و مشارکت اجتماعی مورد سنجش قرار گرفته است.

با توجه به ادبیات و مبانی نظری طرح شده در پژوهش و ترسیم مدل نظری پژوهش (تصویر بالا) می‌توان فرضیه‌های پژوهش را به قرار زیر تدوین کرد:

- بین سرمایه اجتماعی ساکنان شهر تهران و توسعه اجتماعی این شهر رابطه معنادار وجود دارد.
- بین کیفیت زندگی ساکنان شهر تهران و توسعه اجتماعی این شهر رابطه معنادار وجود دارد.
- بین سرمایه اجتماعی ساکنان شهر تهران و کیفیت زندگی آن‌ها رابطه معنادار وجود دارد.
- سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی بر توسعه اجتماعی شهر تهران تاثیر دارند.

روش‌شناسی

نوع مطالعه در این پژوهش از نظر مسیر توصیفی - تبیینی، از نظر هدف کاربردی و از نظر میزان ژرفایی، پهنانگر و از نظر زمان مقطعی است و روش گردآوری داده‌ها نیز پیمایش بوده است.

جامعه‌ی آماری این پژوهش کلیه‌ی ساکنان مناطق ۲۲ گانه‌ی شهر تهران است که بر اساس آخرین سرشماری مرکز آمار ایران که در سال ۱۳۹۰ انجام شده است، مجموع آن در مناطق شهری (۲۲ منطقه) ۸۲۴۴۷۵۹ نفر است (سایت مرکز آمار ایران، مرداد ۱۳۹۲). با استفاده از فرمول برآورد حجم نمونه، تعداد ۴۰۰ نفر با استفاده از روش تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم در مناطق ۲۲ گانه انتخاب و پرسشنامه‌های طراحی شده در مصاحبه حضوری با آن‌ها تکمیل گردیده است. اعتبار^۱ ابزار پژوهش (پرسشنامه) با استفاده از اعتبار صوری و ارزیابی‌ها و پایایی^۲ آن با استفاده از پایایی همسانی درونی (آلفای ۰.۸۳) مورد سنجش قرار گرفته است.

در رابطه با روش نمونه‌گیری لازم است به این نکته اشاره شود که جهت تعمیم‌پذیر بودن یافته‌های شهر تهران از طرح فنی نمونه‌گیری در مناطق ۲۲ گانه تهران (عبدی، ۱۳۹۰) استفاده شده است. در این طرح محلات شهر تهران (بدون توجه به منطقه) با توجه

1 . validity

2 . Reliability

به برخی از ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی به ده خوشه تقسیم‌بندی شده‌اند. در پژوهش حاضر از تمامی ده خوشه بلوک‌هایی (با رعایت نسبت جمعیت محلات نمونه) انتخاب و پرسشنامه‌ها تکمیل گردید.

یافته‌های پژوهش نیز در دو بخش توصیفی با استفاده از آماره‌های فراوانی، درصد، نما، میانگین و در بخش استنباطی با استفاده از نرم‌افزار SPSS و آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره ارائه شده است.

یافته‌ها

از مجموع ۴۰۰ پاسخگو ۴۹ درصد (۱۹۶ نفر) را زنان و ۵۱ درصد (۲۰۴ نفر) را مردان تشکیل داده‌اند. میانگین سن پاسخگویان ۳۹٫۸۰ و بیشترین فراوانی مربوط به افرادی است که دارای سن ۲۰ سال بوده‌اند. بالاترین فراوانی (نما) در متغیر وضعیت تاهل مربوط به افراد متاهل (با ۶۰٫۸ درصد) و کمترین آن‌ها (۱٫۳ درصد) به افراد مجرد بر اثر طلاق مربوط بوده است. قومیت غالب پاسخگویان را (با ۵۳٫۸ درصد) فارس‌ها و پس از آن آذری‌ها (۳۴٫۵ درصد) تشکیل داده‌اند. بالاترین تعداد (نما) در وضعیت تحصیلات را نیز (۳۲٫۳ درصد) افرادی تشکیل داده‌اند که دارای مدرک دیپلم یا پیش‌دانشگاهی بوده‌اند. میانگین سرمایه اجتماعی پاسخگویان که از جمع امتیازات اعتماد اجتماعی (در چهار بعد اعتماد بنیادی، بین شخصی، تعمیم یافته و اعتماد به نظام‌های تخصصی)، همبستگی اجتماعی (با سه شاخص هماهنگی ساختاری، تقابل و وحدت نمادین) و مشارکت اجتماعی (در دو بعد رسمی و غیررسمی) حاصل شده است، ۲٫۹۳ (در بازه ۰ تا ۶) و میانگین متغیر کیفیت زندگی (که حاصل جمع امتیازات شاخص‌های احساس امنیت، سلامت جسمانی، سلامت روانی، احساس برابری جنسیتی، دسترسی به خدمات، رضایت از محیط و مشارکت اجتماعی بوده است) ۲٫۵۴ (در بازه ۰ تا ۶) بوده است. میانگین توسعه اجتماعی شهر تهران نیز ۲٫۷۴ (در بازه ۰ تا ۶) به دست آمده است که نشان از توسعه اجتماعی پایین‌تر از متوسط در مناطق ۲۲ گانه‌ی شهر تهران دارد.

در جدول ارائه شده در زیر می‌توان برخی از آماره‌های توصیفی حاصل از داده‌های گردآوری شده در پژوهش را مشاهده کرد.

جدول ۱: توزیع پاسخگویان بر حسب متغیرهای مورد بررسی و آماره‌های توصیفی مربوط به آن‌ها

متغیر	تعداد	درصد	نما	میانگین
جنسیت	زن	۱۹۶	۴۹	-
	مرد	۲۰۴	۵۱	-
سن		۴۰۰	۱۰۰	۳۹٫۸۰
وضعیت تاهل	مجرد	۱۲۳	۳۰٫۸	-
	متاهل	۲۴۳	۶۰٫۸	-
	مجرد بر اثر طلاق	۵	۱٫۳	-
	مجرد بر اثر فوت همسر	۱۴	۳٫۵	-
قومیت	آذری	۱۳۵	۳۴٫۵	-
	ترکمن	۱	۰٫۲	-
	عرب	۱	۰٫۲	-
	فارس	۲۱۵	۵۳٫۸	-
	کرد	۱۰	۲٫۵	-
	لر	۱۸	۴٫۵	-
	گیلک	۸	۲	-
	نامشخص	۹	۲٫۲	-
میزان سواد	بی‌سواد	۳۲	۸	-
	خواندن نوشتن	۲۲	۵٫۵	-
	ابتدایی	۴۱	۱۰٫۳	-
	راهنمایی	۵۲	۱۳	-
	دیپلم/پیش‌دانشگاهی	۱۲۹	۳۲٫۳	-
	کاردانی	۳۳	۸٫۳	-
	کارشناسی	۷۴	۱۸٫۵	-
	کارشناسی ارشد	۱۶	۴	-
دکتری	۱	۰٫۲	-	

شماره و میانگین بر اساس مقیاس ۱ تا ۵ (۱: سطح بسیار کم، ۲: سطح کم، ۳: سطح متوسط، ۴: سطح زیاد، ۵: سطح بسیار زیاد)	۳،۰۹	۳،۰۹	زیاد	۱۰۰	۴۰۰	اعتماد اجتماعی	سرمایه اجتماعی
	۴،۱۶	۴،۱۸	کاملا	۱۰۰	۴۰۰	همبستگی اجتماعی	
	۱،۵۶	۱،۵۱	اصلا	۱۰۰	۴۰۰	مشارکت اجتماعی	
	۲،۱۹	۲،۱۹	کم	۱۰۰	۴۰۰	احساس امنیت	کیفیت زندگی
	۳،۹۶	۴	کاملا	۱۰۰	۴۰۰	سلامت روانی	
	۴،۳۳	۴،۶۲	زیاد	۱۰۰	۴۰۰	سلامت جسمانی	
	۲،۱۶	۲،۱۶	اصلا	۱۰۰	۴۰۰	برابری جنسیتی	
	۲،۸۵	۲،۸۵	زیاد	۱۰۰	۴۰۰	دسترسی به خدمات	
	۲،۶۷	۲،۶۶	زیاد	۱۰۰	۴۰۰	رضایت از محیط	توسعه اجتماعی
	۲،۹۳	۲،۹۲	کم	۱۰۰	۴۰۰	سرمایه اجتماعی	
	۲،۵۴	۲،۵۷	زیاد	۱۰۰	۴۰۰	کیفیت زندگی	
	۲،۷۴	۲،۷۳	تاحدودی	۱۰۰	۴۰۰	توسعه اجتماعی	

برای کشف روابط و تاثیر دو متغیر پژوهش (سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی) بر توسعه اجتماعی نیز از آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است، که نتایج آن در زیر آمده است.

آزمون فرضیه‌ها

در این بخش از مقاله به ارائه نتایج آزمون‌های انجام شده (ضریب همبستگی و رگرسیون) برای آزمون فرضیه‌های ارائه شده در پژوهش پرداخته شده است.

رابطه بین کیفیت زندگی شهروندان تهرانی و توسعه اجتماعی شهر تهران

همانطور که نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد، با توجه به عدد بدست آمده در سطح معنی‌داری (Sig: 0.000)، در سطح معنی‌داری ۰،۰۱ (سطح اطمینان ۹۹ درصد) بین کیفیت زندگی شهروندان تهرانی و توسعه اجتماعی شهر تهران رابطه معنادار وجود دارد. همبستگی موجود بین این دو متغیر نیز (۰،۹۱۴) نشان از رابطه مستقیم مثبت در سطح بسیار قوی بین این دو متغیر دارد. بدین معنا که با افزایش کیفیت زندگی شهروندان تهرانی بر توسعه اجتماعی شهر تهران افزوده و با کاهش آن از توسعه اجتماعی شهر تهران کاسته خواهد شد.

رابطه بین سرمایه اجتماعی شهروندان تهرانی و توسعه اجتماعی شهر تهران

نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد (Sig: 0.000)، در سطح معنی‌داری ۰،۰۱ (سطح اطمینان ۹۹ درصد) بین سرمایه اجتماعی شهروندان تهرانی و توسعه اجتماعی شهر تهران رابطه معنادار وجود دارد. همبستگی موجود بین این دو متغیر نیز (۰،۵۸۹) نشان از رابطه مستقیم مثبت در سطح متوسط بین این دو متغیر دارد. بدین معنا که با افزایش سرمایه اجتماعی شهروندان تهران بر توسعه اجتماعی شهر تهران افزوده و با کاهش سرمایه اجتماعی از توسعه اجتماعی شهر تهران کاسته خواهد شد.

رابطه بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی شهروندان تهران

همانطور که در آزمون دو فرضیه پیشین مشاهده شد بین متغیرهای مستقل پژوهش (سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی) و متغیر وابسته پژوهش (توسعه اجتماعی) رابطه معنادار وجود داشت. در این آزمون این موضوع بررسی شده است که آیا بین دو متغیر مستقل پژوهش نیز رابطه معناداری وجود دارد یا خیر. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد، در سطح معنی‌داری ۰،۰۱ (Sig: 0.000)، و سطح اطمینان ۹۹ درصد، بین سرمایه اجتماعی شهروندان تهرانی و کیفیت زندگی آن‌ها رابطه معنادار وجود دارد. همبستگی موجود بین این دو متغیر نیز (۰،۲۱۱) نشان از رابطه مستقیم مثبت در سطح ضعیف بین این دو متغیر دارد. بدین معنا که با افزایش کیفیت زندگی شهروندان تهرانی بر میزان سرمایه اجتماعی آن‌ها افزوده و با کاهش آن از سرمایه اجتماعی آن‌ها کاسته خواهد شد. البته رابطه این دو متغیر دو طرفه بوده است. به این معنا که افزایش و یا کاهش هر یک بر دیگری نیز تاثیر گذار است.

خلاصه نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون، برای تعیین رابطه معنادار میان متغیر سرمایه اجتماعی شهروندان تهرانی و توسعه اجتماعی شهر تهران و همچنین رابطه کیفیت زندگی شهروندان تهرانی و توسعه شهر تهران و در نهایت رابطه بین دو متغیر مستقل پژوهش (سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی) در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۲: خلاصه آزمون‌های ضریب همبستگی

توسعه اجتماعی	کیفیت زندگی	سرمایه اجتماعی		
		1	همبستگی پیرسون	سرمایه اجتماعی
-.589(**)	-.211(**)	.	سطح معنی‌داری (دوامنه)	
			همبستگی پیرسون	کیفیت زندگی
-.914(**)	1	-.211(**)	سطح معنی‌داری (دوامنه)	
			همبستگی پیرسون	توسعه اجتماعی
۱	-.914(**)	-.589(**)	سطح معنی‌داری (دوامنه)	
			همبستگی پیرسون	
			سطح معنی‌داری (دوامنه)	

** همبستگی در سطح ۰,۰۱ معنادار است (دو دامنه)

تأثیر سرمایه اجتماعی شهروندان تهرانی و کیفیت زندگی آن‌ها بر توسعه اجتماعی شهر تهران

برای تبیین رابطه دو متغیر مستقل (سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی) و توسعه اجتماعی از رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. اولین جدول ارائه شده در خروجی آزمون بیان کننده آن است که یک مدل برای تبیین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته مورد استفاده قرار گرفته است. روش ورود متغیرها به مدل نیز روش همزمان بوده است و متغیرهای مستقل به‌طور همزمان وارد معادله شده‌اند.

جدول ۳: متغیرهای وارد شده/حذف شده (۱)

تعداد مدل	متغیرهای وارد شده	متغیرهای حذف شده	روش
1	کیفیت زندگی سرمایه اجتماعی	.	همزمان

متغیر وابسته: توسعه اجتماعی

جدول تحلیل واریانس یک‌طرفه و سطح معنی‌داری بدست آمده (۰,۰۰۰) نشان می‌دهد که در سطح معنی‌داری ۰,۰۱ تغییرات در متغیرهای مستقل بر تغییرات واریانس متغیر وابسته تأثیر گذار است. همچنین اعداد حاصل در ستون مجموع مجذورات که در ردیف باقیمانده قرار دارد (۰,۰۰۰) نشان دهنده قدرت بالای تبیین مدل موجود برای بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته پژوهش است. زیرا هرچه مقدار مجموع مجذورات باقیمانده کوچکتر از مجموع مجذورات رگرسیون باشد توان تبیین‌گری مدل را بیشتر نمایان می‌سازد.

جدول ۴: تحلیل واریانس یک‌طرفه

تعداد مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	معنی‌داری
1	رگرسیون	2	17.714	8.05895	۰.000
	باقیمانده	397	۰.000		
	جمع	399			

داده‌های حاصل از جدول ضریب‌ها و ضریب تاثیر استاندارد^۱ نشان می‌دهد که تاثیر دو متغیر سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی بر توسعه اجتماعی شهر تهران معنی‌دار است. همچنین ضریب تاثیر استاندارد شده نشان می‌دهد که کیفیت زندگی (۰,۸۲۷) بیشتر از سرمایه اجتماعی (۰,۴۱۵) بر توسعه اجتماعی شهر تهران موثر بوده است. همچنین می‌توان به این نکته اشاره کرد که به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در متغیر سرمایه اجتماعی به میزان ۰,۴۱۵، انحراف استاندارد بر توسعه اجتماعی شهر تهران افزوده خواهد شد. و به ازای یک انحراف استاندارد در متغیر کیفیت زندگی، توسعه اجتماعی شهر تهران به میزان ۰,۸۲۷ انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت.

همبستگی مرتبه صفر نیز این موضوع را تایید می‌کند که کیفیت زندگی تاثیر بیشتری بر توسعه اجتماعی شهر تهران دارد. زیرا عدد بدست آمده (۰,۹۱۴) که ضریب همبستگی این متغیر بدون وجود متغیر کنترل را نشان می‌دهد، بیش از ضریب مرتبه صفر سرمایه اجتماعی است (۰,۵۸۹).

ضریب همبستگی تفکیکی نیز که نشان از اثر یک متغیر مستقل بر متغیر وابسته پس از حذف میزان همبستگی این دو متغیر با سایر متغیرها است، نشان از آن دارد که با حذف هر یک از متغیرهای مستقل (سرمایه اجتماعی یا کیفیت زندگی)، بین متغیر باقی مانده و متغیر وابسته (توسعه اجتماعی) همبستگی کامل وجود دارد.

و در نهایت ضریب همبستگی نیمه تفکیکی که میزان همبستگی بین یک متغیر مستقل با متغیر وابسته را، پس از حذف اثر خطی سایر متغیرهای مستقل بر متغیر مستقل مورد نظر (و نه متغیر وابسته)، نشان می‌دهد، حاکی از آن است که متغیر کیفیت زندگی در زمان حذف اثر خطی متغیر سرمایه اجتماعی بر خود، تاثیر گزارایی بیشتری (به میزان ۰,۸۰۸) بر توسعه اجتماعی شهر تهران خواهد داشت.

جدول ۵: ضریب‌ها (عامل‌های مشترک)

تعداد مدل	ضریب‌های استاندارد نشده		معنی داری	t	ضریب‌های استاندارد شده		همبستگی‌ها
	ضریب تاثیر استاندارد نشده	خطای استاندارد			ضریب تاثیر استاندارد شده	همبستگی‌ها	
1	(عدد ثابت)	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	۱.۰۰۰	۰.۰۰۰	۰.۰۰۰	مرتب‌بندی
	سرمایه اجتماعی	۰.۵۰۰	۰.۰۰۰	۰.۴۱۵	۰.۰۰۰	۰.۴۰۵	تفکیکی اجزایی
	کیفیت زندگی	۰.۵۰۰	۰.۰۰۰	۰.۸۲۷	۰.۰۰۰	۰.۸۰۸	نیمه تفکیکی

بحث و نتیجه‌گیری

از اواسط دهه ۱۹۶۰ میلادی، با ظهور پیامدهای منفی حاصل از رشد، جایگاه رشد اقتصادی به عنوان هدف اصلی توسعه مورد پرسش و تردید قرار گرفت. در اوایل دهه ۱۹۹۰ سازمان ملل، گزارش توسعه‌ای را با رویکرد به توسعه انسانی منتشر کرد و از اواسط این دهه، به ویژه در پی صدور بیانیه آمستردام، مولفه‌های مربوط به توسعه اجتماعی نظیر سرمایه اجتماعی به ادبیات توسعه راه یافت و به تعبیری در سلسله مراتب اهداف توسعه تغییراتی حاصل گردید که با تاکید سازمان ملل، مبحث بهزیستی اجتماعی و کیفیت زندگی در راس هدف‌های توسعه قرار گرفت. این تغییر پارادایمی با تغییر هدف‌های توسعه هزاره نیز تقویت گردید؛ اهداف هشت‌گانه‌ای که همگی به مسایل اجتماعی نظیر آموزش، فقرزدایی، بهداشت، محیط زیست، برابری جنسیتی و مشارکت در توسعه تاکید دارند. با این‌گذار پارادایمی در نظریه‌های جدید توسعه، ارتقاء مطلوبیت، رضایت خاطر ذینفعان برنامه‌های توسعه‌ای و در نظر گرفتن خواست جمعیت هدف، اهمیت پیدا کرد (غفاری و امیدی، ۱۳۸۸).

توسعه اجتماعی با توجه بیشتر به شاخص‌های انسانی توسعه همچون اعتماد اجتماعی، همبستگی اجتماعی، امنیت و احساس امنیت و کیفیت زندگی تلاش نموده است تا مفهوم توسعه را به سوی مولفه‌های انسانی نزدیک و از مولفه‌های اقتصادی دور گرداند و یا حداقل در مقامی یکسان جای دهد. به بیان دیگر توسعه اجتماعی هدف خود را به‌روزی مردم به عنوان جامعه هدف برنامه‌های توسعه‌ای انتخاب و برای تحقق آن تلاش می‌نماید. گسترش روزافزون شهرنشینی در کشورهای جهان نیز پرداختن به این مفهوم در شهرها را اهمیتی دوچندان بخشیده است. توسعه اجتماعی در شهرها تا به امروز کمتر مورد توجه مدیران شهری قرار گرفته و توسعه شهری (در مفهوم کالبدی و فضایی آن) در مرکز توجه آن‌ها قرار داشته است.

از این رو توجه بیشتر به شاخص‌های اجتماعی در توسعه ملی و به‌طور محدودتر در توسعه شهری از اهمیت فراوانی برخوردار است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که متغیرهایی چون اعتماد اجتماعی، همبستگی اجتماعی و مشارکت اجتماعی، به عنوان مفاهیمی که در رابطه مستقیم با شهروندان و تعاملات آن‌ها با یکدیگر و با ساختار جامعه برقرار می‌کنند، دارای اهمیت فراوان بوده است. اهمیتی که شاید تا به حال از سوی مدیریت کلان به طور عام و مدیریت شهری به طور خاص دور بوده است. هرچند که نباید از عوامل اقتصادی، سیاسی، جمعیتی و... نیز غافل شد، اما نحوه تعامل میان شهروندان و مدیران شهری از جمله عوامل بسیار مهم در این زمینه است. میزان سرمایه اجتماعی پایین‌تر از حد متوسط (حاصل نتایج پژوهش) را می‌توان زنگ خطر برای جامعه تلقی کرد. زیرا هیچ‌یک از برنامه‌ریزی‌های صورت گرفته در جامعه بدون مشارکت شهروندان، که لازمه آن وجود احساس همبستگی در کنار اعتماد اجتماعی است، محقق نخواهد شد و دستیابی به هدف‌های از پیش تعیین شده امکان‌پذیر نخواهد بود.

کیفیت زندگی نیز که در این پژوهش با متغیرهایی چون احساس امنیت اجتماعی، سلامت جسمانی، سلامت روانی، رضایت از محیط، احساس برابری جنسیتی، دسترسی به خدمات و مشارکت اجتماعی (در دو بعد رسمی و غیر رسمی) سنجیده شده، از حد متوسط پایین‌تر بوده است. این موضوع نیز نشان از پایین بودن سطح کیفی زندگی انسان‌هایی دارد که به عنوان سرمایه‌های انسانی موجود در جامعه باید در مسیر پیشرفت جامعه تاثیرگذار باشند. توجه به کیفیت زندگی ساکنان شهر تهران زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که با توجه به نتایج آزمون رگرسیون، در تحقق توسعه اجتماعی شهر تهران مهمترین عامل بوده و بیشترین تاثیر را داشته است.

با توجه به رویکرد مدیریت شهری و مدیریت کلان جامعه و توجه به بحث توسعه اجتماعی در فصل هفتم و هشتم برنامه چهارم توسعه (مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۹۰: ۱۳) و فصل سوم برنامه پنجم توسعه (منصور، ۱۳۹۱)، لازم است تا به متغیرهای تشکیل دهنده توسعه اجتماعی (به دور از شاخص‌های اقتصادی تنها و با در نظر گرفتن شاخص‌های اجتماعی) توجه بیشتری شود و در جهت افزایش سطح آن اقدام‌های جدی‌تری صورت گیرد.

بدون شک تحقق اهداف بلندمدت (چشم‌انداز ۲۰ساله) و میان‌مدت (برنامه‌های توسعه) نیازمند افرادی است که در کنار توانمندی و سطح بالای شاخص‌های اقتصادی در شاخص‌های اجتماعی (از جمله سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی) نیز توانمند بوده تا با تغییرات نهادی و ساختاری به بهبود شرایط موجود کمک نمایند. زیرا توسعه در هیچ جامعه‌ای محقق نخواهد شد مگر آنکه آگاهی، خردمندی، علم‌گرایی، اعتماد متقابل، تعهد، همبستگی اجتماعی، رفاه، امنیت و احساس امنیت، برابری جنسیتی، سلامت روانی و جسمی و... (که همگی را می‌توان تحت عنوان توسعه اجتماعی نام نهاد) در جامعه وجود داشته باشد.

۱. احمدی، توران (۱۳۷۸). **تأثیر توسعه‌ی شهرنشینی بر توسعه‌ی اجتماعی با تأکید بر شهر تهران**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء.
۲. ازکیا، مصطفی (۱۳۸۰). **جامعه‌شناسی توسعه**. تهران: کلمه، چاپ سوم.
۳. ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۷). **جامعه‌شناسی توسعه**. تهران: کیهان، چاپ هفتم.
۴. تولایی، حسین (۱۳۸۸). **رابطه‌ی کار کودک با توسعه‌ی اجتماعی**. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی رفاه اجتماعی، گروه آموزشی مدیریت رفاه اجتماعی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
۵. حقیقتیان، منصور و دیگران (۱۳۹۱). **تأثیر رفتارهای اجتماعی زیست محیطی بر توسعه اجتماعی مورد مطالعه کارکنان پارس جنوبی (عسلویه)**. فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی ایران. سال پنجم. سال اول.
۶. رفیعی، حسن و سعید مدنی (۱۳۸۰). **بررسی تطبیقی دیدگاه‌های توسعه و رفاه اجتماعی در ایران. مجموعه مقالات همایش توسعه‌ی اجتماعی**. تهران: علمی و فرهنگی، ص ۷۱-۱۰۰.
۷. سایت شهرداری تهران (آبان ۱۳۹۲). **ویژگی‌های شهر تهران**. قابل دسترس در اینترنت: www.Tehran.ir
۸. سایت مرکز آمار ایران (مرداد ماه سال ۱۳۹۲). **جمعیت شهرستان تهران به تفکیک سن، جنس و خانوار**. قابل دسترس در اینترنت: www.sci.org.ir
۹. شمعاندانی حق، علی (۱۳۸۰). **ابعاد روش شناختی توسعه اجتماعی (شاخص‌های کمی و کیفی)**، مجموعه مقالات همایش توسعه اجتماعی، تهران: علمی و فرهنگی، ص ۲۴۹-۲۷۶.
۱۰. عنبری، موسی (۱۳۹۰). **جامعه‌شناسی توسعه، از اقتصاد تا فرهنگ**. تهران: سمت.
۱۱. عبدی، عباس (۱۳۹۰). **طرح فنی نمونه‌گیری نظرسنجی‌های شهری در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران**. تهران: دفتر مطالعات اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران.
۱۲. فتحی، الهام (۱۳۹۰). **مروری بر روند شهرنشینی در ایران طی نیم قرن اخیر. هفته‌نامه خبری - تحلیلی برنامه**. تهران: روابط عمومی معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور. سال نهم، شماره ۴۰۶.
۱۳. فیروز آبادی، سیداحمد (۱۳۸۴). **بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران**. پایان‌نامه دکترای جامعه‌شناسی. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۱۴. کلانتری، صمد و محمد گنجی (۱۳۸۴). **شاخص‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی در ایران. اطلاعات سیاسی و اقتصادی**. تهران: موسسه اطلاعات. سال نوزدهم، شماره ۷ و ۸ (۲۱۱ و ۲۱۲ پیاپی). ص ۱۴۶-۱۶۰.
۱۵. کلانتری، خلیل (۱۳۸۸). **برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای (تئوری‌ها و تکنیک‌ها)**. تهران: خوشبین، چاپ سوم.
۱۶. لشکری، محمد (فروردین ۱۳۹۱). **شاخص‌های کمی و کیفی توسعه اجتماعی**. قابل دسترس در اینترنت به آدرس: modiryar.com
۱۷. مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی، گروه پژوهش‌های اجتماعی (۱۳۹۰). **بررسی شاخص‌های توسعه اجتماعی در ایران**. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک. گزارش راهبردی، شماره ۱۱۰.
۱۸. مقبولی اقبالی، مهناز (۱۳۸۶). **بررسی اعتماد اجتماعی شهروندان به عنوان مؤلفه مؤثر بر مشارکت و همکاری آنان با شهرداری، مطالعه موردی: شهر تهران**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
۱۹. منصور، جهانگیر (۱۳۹۱). **قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی توسعه جمهوری اسلامی ایران**. تهران: دوران، چاپ سوم

20. Nisbet, Robert A.(1980) **History of the Idea of Progress**. Teransaction publishers

21. Social Progress Imperative(2013). **Social Progress Index: Measuring National Progress**. Social Progress Imperitive. Retrieved 02 August 2013:
www.socialprogressimperative.org/data/spi/methodology

22. The Economist.(2013). **Beyond GDP: www.economist.com/blogs/feastandfamine/2013/04/social-progress**.